

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

پنجشنبه ۱۸ مارچ ۲۰۲۱

مرجان کمال

نشر مجدد: یکشنبه ۱۹ مارچ ۲۰۲۳

نگاه دوباره در مورد سنگسار کردن و قتل یک دختر جوان در کابل



نوشتهٔ مرجان کمال منتشره در مجلهٔ « نوول د افغانستان Nouvelles d'Afghanistan »

مترجم: فریده نوری

مقدمهٔ مترجم: این مضمون به قلم مرجان کمال در سال ۲۰۱۶ میلادی در مجله ای که نام آن قبلاً تذکر یافت، نشر گردیده است. بعداً توسط این جانب ترجمه و منتشر شد. خواستم جهت یاد و بود از روز شهادت این دختر جوان که در قلب کابل به وقوع پیوست با نشر دوبارهٔ آن به روح فرخندهٔ شهید ارج گذاری نمایم. روح فرخندهٔ شهید شاد باد!!!

در شب نوروز، یک روز قبل از فرا رسیدن بهار، یک خانم جوان در شرایط خیلی وحشتناک و غیر انسانی در کابل به قتل رسید. این واقعهٔ دلخراش و المناک سبب برافروخته شدن اذهان اکثریت جامعه گردید. در روز خاکسپاری این دوشیزهٔ جوان مظاهرات بس بزرگی برپا و بر لوحه هایی که به دستان آنانیکه جنازهٔ این قربانی وحشت را مشایعت و بدرقه می کردند، جملهٔ « ما همه فرخنده هستیم » خوانده می شد. مرجان کمال بعد از اندیشیدن دوباره در مورد این حادثهٔ وحشتناک و دلایلی که سبب به وجود آمدن خشونت شهری گردیده است، بر می گردد. به تاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۱۵ میلادی خانم جوانی به نام فرخنده ملکزاده که ۲۷ سال عمر داشت و دیپلوم لیسانس در علوم دینی از پوهنخی

شرعیات پوهنتون کابل داشت، در نزدیک زیارت شاه دو شمشیره ولی در قلب کابل توسط یک عده افراد که وی را به نام اینکه به کتاب مقدس (قرآن شریف) توهین کرده است، وحشیانه و بی رحمانه به قتل رسانده شد. فوراً بعد از واقعه، شخصیت های مذهبی، مخصوصاً امامان مساجد و بالخصوص ملا ها و مولوی ها، قاتلین را به دلیل اینکه این دختر جوان اهانت به دین نموده، تبرئه کردند. این دلیل از طرف محاکم نیصالح رد گردید. مهاجمین و هم تعدادی از پولیس ها که در محل این جنایت حاضر بودند، به صورت بسیار نسبی محکوم شدند و از یک محاکمه نسبتاً معتدل بهره مند گردیدند. توضیح روشن از این جرم بزرگ بر می گردد به یک تعصب واضح و نابسامانی هائی که سبب به وجود آمدن از حد بیش این نوع تعصبات می گردد. در صورتیکه این خانم جوان هیچ نوع توهین به کتاب مقدس نکرده بود و این را محاکم نیصالح ثابت کردند، پس باید سؤال کرد که سبب به وجود آمدن این انگیزه در نزد مهاجمین چه بوده می تواند؟ دلیل قتل فرخنده تا به امروز روشن نگردیده است. واضح است که حمله مهاجمین خشمگین به تمام معنی شدت یک خشونت خارج کنترل را نشان میداد. او را اولاً با لگد و با تخته چوب ها زده و بعداً از بالای بام به پائین انداختند. در ابتداء روی بدنش تخته های سمنتی را انداخته و بعداً با گذشتادن موتر از روی بدن کاملاً خورد شده اش بی رحمانه او را به قتل رسانیدند. بعد به این هم اکتفا نکرده، بدن خون آلودش را در دریای کابل انداخته، نخست جسد بی جانش را سنگسار نمودند و سپس به آتش کشیدند. خیلی ها رقت بار بود که اطفال نیز در پرتاب نمودن سنگ ها شامل بودند که این خودش نشان دهنده شدت وحشت در یک جامعه انسانی را نشان می دهد. تمام آن صحنه های وحشت و بربریت توسط بازی گران نقش اصلی این واقعه وحشتناک و نیز افرادی که در محل واقعه تجمع کرده و تماشاگر بودند، در تمام رسانه های طباعتی، تصویری و مجازی به صورت وسیعی پخش گردید. غیر از این واقعه، واقعات متعدد دیگر به صورت متواتر بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی در اخیر ماه سپتامبر ۲۰۱۴ صورت گرفت. به نظر اول این آشوبگری دلالت به تورم خشونت شهری می نماید. این خشونت آشوب گرانه همه جمعیت، مخصوصاً خانم ها را هدف قرار می دهد، و پخش خشونت در رسانه های افغانستان سبب تشوشات روانی بین اقشار مختلف جامعه گردیده و بدون هیچ نوع تفاوت تشویش خلق می نماید. خشونت توسط شورشیان مخالف دولت از خشونتی که توسط یک گروپ جوانان که منجر به قتل می گردد به ترتیبی که رسانه ها آنرا پخش و نشر می کنند، از نظر منطق یک نوع تعبیر می شود: - خلق نمودن ترس در جامعه توسط رسانه ها سبب به وجود آمدن یکنوع تشوشات

و پراگندگی های روانی شده و ریفرنس هر دو نوع خشونت به اسلام ارتباط داده می شود . مهاجمان یا بلواگران کی ها هستند؟

اگر به صورت دقیق به صحبت کردن و تلفظ آن طبقه توجه شود، به یک زبان دری نو (Néo-Kabouli) که تفاوت زیاد با زبان کابل وقت دارد، سخن میگویند و این به صورت واضح و آشکار ارتباط می گیرد به تلفظ مردمان که در شمال کابل زندگی می کنند . واضحاً از تلفظ مردم پنجشیر فرق دارد، و در اکثر کارته های کابل این نوع طرز تلفظ وصحبت نمودن، شنیده می شود . والدین مقتول که دری را به زبان وقت کابل حرف می زنند، لهجه شان از لهجه مروجۀ نو که در کابل امروز مسلط است و توسط این طبقه صحبت می شود ، خیلی ها متفاوت است . این زبان دری نو که توسط جوانان فعلی که اکثریت جامعه ما را تشکیل می دهند و در کارته های اطراف کابل اقامت دارند، نشان دهنده جوان بودن جامعه افغان می باشد . خشونتی که باعث قتل فرخنده ملکزاده و امثال او می شود، به گمان اغلب ارتباط می گیرد به آن کتگوری یا طبقه جامعه که در شهرها اقامت گزین هستند. از یک طرف غربت و بیکاری و از جانب دیگر تغییرات سریع جامعه باعث این نوع اختشاشات و بطالت گردیده است . این دسته یا طبقه جوانان که دقیقاً در نواحی شمال کابل اقامت دارند، اکثراً از قوم تاجک اند، آنها را به نام شمالی وار یاد می کنند که بنیاد اتحاد شمال را می سازند و از مخالفین طالبان شمرده می شوند . به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۰۶ کابل گواه یک آشوبگری بی سابقه از سال ۲۰۰۱ به این طرف بود، که به تعقیب یک تصادم کاروان موتر های امریکائی با یک یا چند موتر در منطقه کوتل خیرخانه در شمال کابل اتفاق افتاد . همه تظاهر کنندگان شباهت زیاد به طبقه جوانانی داشتند که در خشونت و قتل فرخنده ملکزاده اشتراک داشتند که در بالا ذکر گردید . هدف این آشوبگران آماج قرار دادن، بخصوص دفتر های ان جی او های خارجی بود که ویران گری و تاراج اموال آنها را به همراه داشت. در حالیکه آشوبگران فرخنده نه تنها وی را به اتهام توهین به قرآن شریف محکوم کردند، بلکه دلیل دیگر آن این اتهام بود که این خانم جوان به دستور امریکائی ها این اهانت را به کتاب مقدس اسلام نموده است . از سال ۲۰۰۱ اهانت به قرآن مجید به صورت فوق العاده زیاد از طریق رسانه ها به نشر رسیده است که امثال آن در زندان ابوغریب در عراق، در زندان بگرام در ولسوالی بگرام ولایت پروان و زندان ولایت قندهار که همه توسط امریکائی ها اداره می شوند، منجر به تظاهرات وسیع و به وجود آمدن یک احساس نفرت جامعه بر علیه حضور عساکر خارجی در افغانستان گردیده است . به این ترتیب بیان آشوب گری و نشان دادن حالت نارضایتی جامعه علیه دولت نه تنها از طرف طالبان که در مدارس دیوبندی تعلیم

و تربیه می شوند موجود است، بلکه بالای طبقه جوانی که در محیط غیر مدرسه و در یک جامعه معکوس آن بزرگ گردیده اند، نیز از آن متأثر است، و این نکته نمایانگر این می باشد که جوانانی در یک محیط معکوس از افراط گرایی بزرگ شده اند، از نابسامانی های جامعه متأثر بوده و به خشونت گرائی متوصل می شوند

**خشونت شهری و زیر سؤال قرار گرفتن هویت ها :** یک ماه قبل از به قتل رساندن فرخنده ملکزاده، یک خانم جوان دیگر به نام انگیزه شینواری که ۳۴ سال عمر داشت خبرنگار و عضو شورای ولایتی در ننگرهار بود، بعد از یک سوء قصد توسط یک موتر بمب گذاری شده در مقابل مکتب بی بی حوا در شهر جلال آباد، جان خود را از دست داد . مسئولیت این عمل را هیچ گروهی به دوش نگرفت. این دو پدیده یا این دو نوع خشونت که منجر به قتل دو خانم جوان گردید از هم متفاوت است . اعمال خشونتبار از سال ۲۰۰۸ به بعد روزانه افغانستان را در یک آشوبگری غرق کرده است که نشان دهنده یک فصل جدید جنگ با سلاح در داخل شهر ها می باشد، که از یک طرف تأثیرات بس اسفناک بالای همه باشندگان ملکی و زندگی روزمره شان دارد و از جانب دیگر اثر ناگوار بالای اجراءات تأسیسات سیاسی نیز بجا گذاشته است . به همه حال هر دو نوع خشونت از هر نوعی که باشد از یک طرف بالای اوضاع سیاسی افغانستان بعد از سال ۲۰۰۲ اثر گذار است و از جانب دیگر تثبیت هویت اسلامی و دفاع از اسلام را توجیه می نماید . از نقطه نظر عمومی این خشونت ها که منشاء خود را از شبکه های رسانه های اجتماعی می گیرند، به یک طبقه هویتی تعلق می گیرند که معومدار هستند. این طبقات می توانند به قومیت، دین و مذهب و یا موضوع دیگری ارتباط بگیرند که مثال برجسته آن ابراز کردن همنوایی است، مثال شعار که « ما همه فرخنده هستیم» . اما در حقیقت به وجود آوردن این طبقات هویتی ارتباط می گیرد به نتیجه خشونت، نه به علت آن . از طرف دیگر تورم یا به وجود آمدن طبقات هویتی موازی، سبب بلند رفتن خشونت های تروریستی در تمام دنیا گردیده که نتیجه آن به طبقه هویتی ارتباط می گیرد که قبلاً ذکر شد .

**خشونت در بافت اجتماعی - سیاسی - و نهاد های دولتی :** بر علاوه ارتباط به چوکات هویتی اسلامی و دفاع از اسلام، بعضی دلائل دیگر نیز وجود دارد، مثال برجسته آن خشونت شهری، خشونت علیه فرخنده بود که باعث قتل وی گردید .

**- بی اعتنائی مردم که تماشاگر صحنه هستند . -** یک عده دیگر اجتماع که شورشیان را تقویه می کنند، اشتراک قوای امنیتی یا پولیس که در صحنه حاضر اند، ولی از خشونت به صورت جدی دفاع نمی کنند . - بالاخره انتشار خشونت از طریق رسانه ها و خلق نمودن تشوشات روانی .

برای دانستن خشونت های شهری، باید بی تفاوتی مردم شهر به حیث یک نقطه مهم برای دانستن خشونت های شهری مورد توجه قرار گیرد. زیرا برای ترتیب دهندگان حملات وحشیانه شهری، تهیه نمودن، آوردن و جاه به جاه کردن مواد انفجاری از منطقه تحت کنترل شان به هدف مورد نظر، بدون کمک یک شبکه مخفی در داخل شهر غیر ممکن می باشد، و از طرف دیگر همکاری پولیس در آشوب گری ها نقش مهم دارد. ملاحظه میشود که موجودیت یک چوکاتی که آشوب گری ها را به هم وصل میکند، نه تنها در افغانستان، بلکه به صورت عمومی: - بی کفایتی و فلج بودن تمام ساختارها و تأسیسات دولتی می باشد که گرفتن تصامیم علیه تروریسم مستلزم آن است تا بتواند جلو آن را بگیرند.

- عدم موجودیت و مشکلات استخباراتی و کشفی برای شناسائی مراکز سیاسی که اعمال وحشتگراییانه را دستور می دهند، خصوصاً که به صورت زنجیره - بالاخره تأثیر روانی رسانه ها در آشوبگری قابل مناقشه نبوده، باهم ارتباط دارند.

**نتیجه گیری:** قتل فرخنده ملکزاده نتیجه ارجحیت دادن دلیل مذهبی به خشونت گرایی است و از طرف دیگر نشان دهنده تقسیم شدن جامعه افغان به چندین دسته طبقاتی. فعالیت هر گروه در محضر عام، خصوصیات مختص همان گروه را از نقطه نظر اجتماعی، اقتصادی و قومی نمایندگی می نماید. آشوبگری وقتی مؤثریت آن بلند می رود که هماهنگی بین افراد مسلح و کمک کنندگان و همدستان شان وجود داشته باشد، تا بتوانند مواد انفجاری قابل ملاحظه را انتقال و جا به جا نموده و با استعمال آن تخریبات زیاد در ساحه از خود باقی بگذارد. برعلاوه ارتباط گرفتن طبقه هویتی مشخص که این گروه آشوبگر را همراهی میکنند، یک نتیجه است نه یک دلیل. تمامی این حالات ما را به این نتیجه میرساند که در یک محیط متهیج و جنگ زده، همه بر علیه همه اند. بالاخره دلائل خشونت ها و آشوب گری ها، ارتباط میگیرد به مردمانی که از آشوبگری و بی نظمی استفاده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می نمایند. در حال حاضر آشوبگری و خشونت ها جهانی گردیده است، نه تنها در افغانستان، بلکه در دیگر قاره ها نیز سرایت نموده است:

- آسیا - شرق میانه و شرق دور

- افریقا - اروپا

(فرانسه و بلجیم در سال ۲۰۱۵)

- امریکا (حملات ترور یستی به صورت انفرادی و مجزا که دولت اسلامی به نام داعش مسؤولیت

آن را به عهده می گیرد.)

این نتیجه گیری دلالت می کند بر آنکه: هستند کسانی که ستراتیژی به این بزرگی همه علیه همه را پیش می برند. برای پلان گذاری کردن آن به کمک زیاد ضرورت دارند تا به اهداف خود موفق شوند . همچنان آن ها از داشتن شبکه های معلوماتی برخوردار اند تا به ایشان اجازه عملیات در صحنه سیاسی و نظامی منطقه را دهد و هم از رقابت بین گروه های رقیب استفاده می کنند ، طور مثال رقابت بین القاعده و گروه جدید دیگر، از ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ به نام داعش (دولت اسلامی)

